



خیمه العزا؛ روایت ۱۳ سال عزاداری ماه محرم که به نیت یک شهید پا گرفت

زنجیره دوستی با امام حسین (ع)

۵۴



عکس: فاطمه جاهدی / شهرآرا

فروشگاه «شهر ما» در محله نوده که در اغتشاشات دی ماه سوخت، حالا کانون عزاداری محرم است

سریا شدن دوباره با عشق حسینی

۶



اهالی محله صاحب الزمان (عج) از ناتمام ماندن پیاده‌روسازی گلایه دارند
 بهسازی مسیر دوچرخه در بن بست

حسینیه کودک در دهه اول محرم در مسجد چهارده معصوم (ع) برپا بود
 بچه‌ها، پای قصه‌های کربلا

۷



اهالی محله صاحب الزمان (عج)
از ناتمام ماندن پیاده‌روسازی گلایه دارند

بهسازی مسیر دوچرخه در بن بست

حمیده صفائی ایشش ماه پیش، وقتی صدای کلنگ کارگران در حد فاصل میدان تختی تا میدان صاحب الزمان (عج) پیچید، کسبه و اهالی گمان می‌کردند قرار است تا پایان سال پیاده‌روشان نونوار شود. اما امروز آن شور و اشتیاق، جای خود را به غبار نشستگی بر ویتربین ها و گل ولای انباشته در این معبر داده است؛ قسمتی از پروژه‌ای که با هدف تسهیل تردد و زیباسازی آغاز شده بود. حال در پیچ و خم‌های اداری و فسخ قرارداد پیمانکار، به مسیری نصفه و نیمه بدل شده که نه راه دوچرخه است و نه پناه عابران.



دیگر از کسبه، از مشکل دیگری می‌گویند: با هر بارندگی، آب به جای هدایت به سمت باغچه‌ها به داخل کوچه و سمت منازل مسکونی می‌رود. ماکسبه مجبوریم دست به دست هم بدهیم و با جارو، آب را به سختی به بیرون هدایت کنیم تا برای ساکنان صاحب الزمان ۶ مشکل ایجاد نشود.

او به مسیر دوچرخه اشاره می‌کند و می‌گوید: این مسیر بیشتر شبیه یک تله برای کودکان دوچرخه سوار است. بچه‌ها با ذوق دوچرخه سواری در این مسیر می‌آیند، اما به محض ورود به این قسمت خاکی و ناهموار، اگر تعادلشان را از دست بدهند، زمین خوردنشان حتمی است.

● بلای جان رهگذران

طبق گفته اهالی، عملیات بهسازی که از دی ماه سال گذشته آغاز شد، در میانه راه رها شده و اکنون به جای مسیر دوچرخه، ناتمام مانده است.

مجید زهرایی، از کسبه قدیمی این خیابان، با اشاره به وضعیت نامناسب معبر می‌گوید: بارندگی که بشود، آب در اینجا جمع شده و گل ولای می‌شود. حالا هم که در آستانه تابستان هستیم، با هر وزش باد، گرد و خاک وارد مغازه‌های ما می‌شود. او ادامه می‌دهد: دی ماه که پروژه بهسازی پیاده‌رو آغاز شد، فکر می‌کردیم شرایط خوب می‌شود، غافل از اینکه بلای جان رهگذران خواهد شد.

مجید آقامی افزایش: سه چهار روز پیش، خانم سالمندی که قصد عبور از این قسمت را داشت، پایش به لبه جدول مسیر دوچرخه گیر کرد و به شدت زمین خورد. این اولین موردی نبود که در این مدت دیده بودم. اگر دست و پای یک سالمند بشکند، چه کسی باید جوابش را بدهد.

او می‌گوید: در ناآرامی‌های دی ماه، همین مصالح رها شده، به ابزاری برای آسیب به اموال عمومی تبدیل شده بود.

● در انتظار نظر کمیسیون

اما چرا پروژه‌ای که بخش زیادی از آن پیش رفته، ناگهان متوقف شده است؟ حجت نراقی سرپرست اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه یک با تأیید توقف پروژه می‌گوید: پیمانکار مربوطه، کار را متوقف کرده است و ما به دلیل عدم پایبندی به تعهدات،

درخواست فسخ قرارداد را داریم. در حال حاضر، پرونده در کمیسیون فسخ قراردادهاست و تا زمانی که نتیجه نهایی حاصل نشود، امکان واگذاری پروژه به پیمانکار جدید و انجام پروژه وجود ندارد.

این مسیر بیشتر شبیه یک تله برای کودکان دوچرخه سوار است. بچه‌ها با ذوق دوچرخه سواری در این مسیر می‌آیند، اما به محض ورود به این قسمت خاکی و ناهموار، اگر تعادلشان را از دست بدهند، زمین خوردنشان حتمی است

● احتمال زمین خوردن دوچرخه سواران

کمی جلوتر، در حوالی کوچه صاحب الزمان ۶، حامد حسینی، یکی

دردهای ترافیکی در صدر مشکلات منطقه یک



حوزه ترافیک

در حوزه ترافیکی ۷ تماس ثبت شد. درخواست‌ها شامل نصب بولارد در ابن‌سینا ۲ برای ایجاد توقف ممنوع، سامان‌دهی پارک خودروها در پیاده‌روهای خیابان سنایی، کنترل تردد موتورسواران در خیابان ابوذر غفاری سمت مسجد سجاده (ع)، نصب سرعت‌گیر در فرهاد ۹ و نیش فرهادی و سایر موارد مرتبط بود.



حوزه فضای سبز

یک تماس برای هرس درختان و جوان‌سازی آن‌ها در ابومسلم ۴ برقرار شد.



حوزه فنی و عمران

در مجموع ۳ تماس به حوزه فنی و عمران اختصاص داشت. شهروندان درخواست ترمیم کوبیک‌های نیش کلاهدوز ۳۶، روکش آسفالت تورج ۱۳ و پیگیری نشست آسفالت در بن بست تکتم‌شمالی را مطرح کردند. همچنین یکی از شهروندان محله کلاهدوز از تخریب سنگ‌فرش کوچه به دلیل ساخت‌وساز در خیابان مولایی گلایه کرد.



حوزه خدمات شهری

۲ تماس با موضوع خدمات شهری مطرح شد که شامل درخواست رفت و روپ معابر فرعی رضای ۳۲ و معضل موش در خیام ۳۱ بود.



شهردار منطقه یک به همراه معاون فنی و اجرایی و معاون فرهنگی و اجتماعی منطقه، در تاریخ یکم تیر، در مرکز ارتباط مردمی ۱۳۷ حضور یافت و بدون واسطه به ۱۷ تماس تلفنی شهروندان پاسخ داد.



شهردار محله پیگیری می‌کند

شهردار محله در هفته‌های آینده، مشکل نشست آسفالت در تکتم‌شمالی یک، معضل ترافیکی خیابان مجد به سمت بولوار قرنی و معضل تصادفات در فرهاد ۲۵ را پیگیری خواهد کرد.

اتوبان دو طرفه شده است. یکی می‌رود دیگری می‌آید. بسیاری از آن‌ها برای خرید یا تحویل کالا به این محدوده می‌آیند و بدون توجه به حقوق عابران، وسیله‌شان را همان‌جا پارک می‌کنند. بسیاری از موتورسواران، پیاده‌رو را بخشی از مسیر رفت و آمد خود می‌دانند و دیگر عبور از آن برایشان به یک عادت تبدیل شده است.

مصطفی سبزواری، دیگر کاسب این خیابان، می‌گوید: بارها شاهد ترسیدن سالمندان و زمین خوردن آن‌ها بوده‌ام. بعضی عابران هنگام نگاه کردن به ویتترین مغازه‌ها یا صحبت با تلفن همراه، ناگهان با موتوری روبه‌رو می‌شوند که از چند سانتی متری آن‌ها عبور می‌کند و همین مسئله باعث ترس و حتی آسیب دیدن برخی از آن‌ها شده است. مثلاً پایشان در چاله چوله‌های پیاده‌رو گیر می‌کند و می‌کند و می‌کند و می‌کند می‌بیند.

● توقف خودرو، معضل بعدی پیاده‌رو

با رسیدن به عبادی ۳۰، مشکل شکل دیگری پیدا می‌کند. علاوه بر موتورسیکلت‌ها، خودروهایی که داخل پیاده‌رو پارک شده‌اند، فضای عبور را محدودتر کرده‌اند. سید داوود پروانه حسینی، رئیس شورای اجتماعی محله آیت... عبادی، می‌گوید: از عبادی ۳۰ تا چهارراه کاشانی، خودروهایی که در پیاده‌رو پارک می‌کنند، عبور عابران را با مشکل مواجه کرده‌اند. برخی بولاردهای نصب شده در تقاطع‌ها تخریب شده است و نیاز به نصب مجدد دارد تا مانع ورود خودرو به پیاده‌رو شود. ساکنان محله انتظار زیادی ندارند. آن‌ها فقط می‌خواهند پیاده‌رو، همان کارکرد اصلی خود را داشته باشد. نصب مجدد موانع، نظارت بیشتر و برخورد جدی‌تر با تخلفات، می‌تواند بخشی از مشکلات این محدوده را کاهش دهد.

● نصب بولارد نیازمند رعایت استانداردهاست

مسئول اداره حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۲ در پاسخ به گلایه‌های مردم، تأکید می‌کند که تردد موتورسیکلت‌ها و توقف خودروها در پیاده‌رو تخلف محسوب می‌شود و بر خوردن آن برعهده پلیس راهور است. حسین برادران فرد با اشاره به موضوع نصب بولارد ها توضیح می‌دهد: فاصله استاندارد آن‌ها باید به گونه‌ای باشد که امکان عبور ویلچر و کالسکه وجود داشته باشد و همین موضوع باعث می‌شود موتورسیکلت‌ها نیز بتوانند از برخی فاصله‌ها عبور کنند. فرهنگ سازی و اعمال قانون، دو عامل مهم برای جلوگیری از این تخلفات است. برادران فرد درباره توقف خودروها در پیاده‌رو می‌گوید: محل‌های مورد اشاره شهروندان بازدید خواهد شد و در صورت وجود اعتبار و اولویت داشتن پروژه‌ها، امکان نصب بولارد وجود دارد. در صورتی که بهسازی پیاده‌رو خیابان عبادی جزو پروژه‌های معاونت فنی و عمران باشد، بسیاری از این اقدامات در زمان بهسازی اجرا خواهد شد.



● تعداد موتورها بیشتر از عابران

همراه محمد حسین محمد دوست، نایب رئیس شورای اجتماعی محله، از عبادی ۵۴ به سمت چهارراه راه آهن می‌رویم. هنوز چند دقیقه‌ای از شروع مسیر نگذشته است که موتورهای یکی پس از دیگری از کنارمان عبور می‌کنند. بعضی با سرعت، بعضی آرام‌تر، اما هیچ‌کدام توجهی به عابران ندارند. محمد دوست با اشاره به رفت و آمد موتورسواران می‌گوید: شدت این معضل از سه راه مجلسی تا محدوده میدان شهدا بیشتر است و لی تقریباً تمام طول خیابان این مشکل را می‌توان دید. هرچه به محدوده پرترافیک نزدیک می‌شویم، تعداد این راکبان بیشتر می‌شود. بعضی از آن‌ها حتی بدون بوق زدن از کنار عابران عبور می‌کنند. وی ادامه می‌دهد: کسبه بارها شاهد برخورد موتورسواران با یکدیگر بوده‌اند. ورود ناگهانی موتور از کوچه‌های فرعی و تردد هم‌زمان موتورها در پیاده‌رو، بارها حادثه‌ساز شده است.

● اتوبانی دو طرفه در دل پیاده‌رو

حسن یاری، یکی از کسبه خیابان آیت... عبادی، به صف موتورسیکلت‌های در حال عبور اشاره می‌کند و می‌گوید: پیاده‌رو اینجا تبدیل به یک

ساکنان و کسبه محله آیت... عبادی از تردد موتورسواران و پارک خودروها در پیاده‌روهای این محدوده گلایه دارند

پیاده‌رو یا اتوبان موتور؟

صدرا چراغ راهنمایی سه راه مجلسی هنوز قرمز است؛ برای همین موتورسواران بدون مکث از پیاده‌رو خیابان آیت... عبادی می‌گذرند. یکی از کنار ویتترین مغازه‌ها رد می‌شود. دیگری از میان عابران راه‌بازی کند و سوسومی دست رویه روی یک سالمند ترمز می‌گیرد. انگار پیاده‌رو، محل عبور رهگذران نیست و به مسیر فرعی موتورسوارانی تبدیل شده است که می‌خواهند از ترافیک سه راه مجلسی و چهارراه راه آهن فرار کنند. در این میان، کسبه و ساکنان محله هر روز با معضلاتی روبه‌رو هستند: برخورد موتورسواران با یکدیگر، تصادف‌های گاه به گاه با عابران و ترس رهگذران، بخشی از پیامدهای این بی‌قانونی است.



هم قدم



منطقه ۲ جلاگرفت

طرح گسترده خدمات شهری منطقه ۲، در راستای ارتقای بهداشت محیط و بهبود سیمای شهری، در حال اجراست. این اقدامات که با هدف افزایش رضایت شهروندان دنبال می‌شود، شامل شست و شوی جدا اول، آیلندهای میانی و بولارد های ترافیکی در معابر اصلی و فرعی است.

هم‌زمان با این طرح، مخازن زباله و سطل‌های ثابت محلات مختلف، شست و شو و پلاستیک‌گذاری می‌شود. خودرو چاروی مکانیزه نیز به طور مستمر در لاین‌های کندرو بزرگراه‌ها فعال است. جمع‌آوری نخاله‌ها، ضایعات و پاک‌سازی زمین‌های بایر از دیگر برنامه‌هاست تا فضایی پاکیزه و ایمن برای تردد شهروندان فراهم شود.

نهضت آسفالت به خیابان دشتبان ۲/۶ رسید

در ادامه رسیدگی به وضعیت معابر و ارتقای کیفیت تردد شهروندان، عملیات مرمت و روکش آسفالت در خیابان شهید دشتبان ۲/۶ اجرا شد. این طرح بهسازی با هدف رفع فرسودگی‌های سطحی و هموارسازی مسیر برای تردد ایمن تر خودروها و عابران پیاده انجام شده است. در این عملیات، مساحت ۵۵۰ متر مربع از معبر با به‌کارگیری ۷۵ تن آسفالت، مرمت و بهسازی شد. نهضت آسفالت برای بهبود زیرساخت‌های شهری و افزایش رضایت شهروندان، به طور مستمر در سایر نقاط منطقه ادامه خواهد داشت.



شهر خبر



روایت هیئتی که از فضای آرایه تا عزاداری رایجه‌ها مدیریت می‌کنند میدان داری کودکان و نوجوانان در حسینیه جواد الائمه (ع)

صفائیه هیئت کودکان و نوجوانان جواد الائمه (ع) در محله ایثارگران، هم‌زمان با دهه اول محرم، مراسم عزاداری خود را در حسینیه این محله برگزار کرد. ویژگی منحصر به فرد این هیئت، مدیریت کامل آن توسط نوجوانان است؛ از پهن کردن فرش و فضای آرایه تا پذیرایی از عزاداران و برگزاری برنامه‌ها. مراسم هر شب پس از اقامه نماز مغرب و عشاء آغاز می‌شود و تا ساعت ۱۲:۱۰ ادامه می‌یافت. بچه‌هیئتی‌ها با شور و اشتیاق، این مجلس را بدون کمک بزرگسالان اداره می‌کردند و مداحی آن نیز با خودشان بود. همت کودکانه آن‌ها نشان می‌دهد که نوجوانان محله ایثارگران، برای برپایی مجالس اهل بیت (ع) همت و توانی وصف‌نشده‌ای دارند.





خیمه‌الغزا؛ روایت ۱۳ سال عزاداری ماه محرم که به نیت یک شهید پا گرفت



زنجیره دوستی با امام حسین (ع)

خانواده‌ها کنار هم نشسته‌اند؛ پیرمردها و پیرزن‌ها، پدرها و مادرها و کودکانی که آرام آرام به جوار اضافه می‌شوند. چراغ‌ها که در کنار میدان جانباز روشن می‌شود، انگار بخشی از محله جان تاز، صندلی‌های یکی یکی پر و خالی می‌شود. سینی‌های چای میان جمعیت می‌چرخد و کودکانی که به از میان جمعیت دیده می‌شوند، کنار خادمان بزرگ‌تر خدمت و استکان‌های خالی را جمع می‌کنند. خیمه‌الغزا، یک مراسم عزاداری ساده نیست؛ روایت سیزده سال همراهی نسلی از نوجوانان جوانان محلات مشهد است که در دهه اول محرم، با چند چادر مشکی در ابتدای خیابان هاشمیه، خیمه عزاداری برپا کردند و امروز یکی از بزرگ‌ترین مجالس مردمی را در حاشیه میدان جانباز برپا می‌کنند.

حمیده صفائی هنوز مراسم شروع نشده، اما نظم خیمه از دور به چشم می‌آید. جوان‌ها هر کدام گوشه‌ای از کار را گرفته‌اند؛ یکی صندلی‌ها را مرتب می‌کند، دیگری مسئول صوت است و آن یکی مشغول پذیرایی. انگار هر کس جای خودش را خوب می‌داند. در میان جمعیت، فقط بزرگ‌ترها نیستند که سهمی از برپایی مجلس دارند. پسر بچه‌های هفت هشت ساله با سینی‌های چای میان مردم رفت و آمد می‌کنند؛ همان‌هایی که شاید روزی تماشاگر این مراسم بودند و حالا خودشان بخشی از آن شده‌اند. بوی اسپند و چای تازه دم در فضا پیچیده است؛ جوان‌هایی که شال خدمت بردوش دارند، بی وقفه میان جمعیت رفت و آمد و پذیرایی می‌کنند. از پل عابر پیاده مقابل میدان که نگاه می‌کنیم، حلقه‌های منظم صندلی‌ها نظر هر رهگذری را جلب می‌کند.



رسید. خبر شهادت مجید، برای خانواده سخت بود، اما پدر تصمیم گرفت یاد فرزندش را با خیرات و احسان زنده نگه دارد. او بخشی از آرزایی خود را که هر سال برای امام حسین (ع) هزینه می‌کرد، به نیت مجید و در مسیر عزاداری صرف می‌کرد.

این نذر و خیرات سال‌ها ادامه یافت تا اینکه نسل بعدی خانواده، یعنی نوه‌های نوجوان، تصمیم گرفتند قدمی فراتر بردارند و خودشان خیمه‌ای برای عزاداری برپا کنند؛ آرزویی که در سایه حمایت پدر بزرگ و به نیت شهید مجید، کم‌کم به واقعیت پیوست.

به نیت شهید، به همت نوجوانان

نقطه شروع ماجرا به خانواده ثانوی برمی‌گردد، به اینکه عشق به اهل بیت (ع) در این خانواده، از نسلی به نسل دیگر منتقل شد. حاج خلیل ثانوی، بزرگ خانواده، مردی متدین و عاشق سیدالشهدا (ع) بود که هر سال برای امام حسین (ع) نذری می‌داد. اما سال ۱۳۶۴، نقطه عطفی در زندگی این خانواده بود. مجید، پسر دوم خانواده، که تازه دوره آموزشی سربازی را در تربیت گذرانده بود، راهی سمنجان شد و در منطقه دیواندره به شهادت

خیمه‌ای در حد وسع و توان

در میان خادمان، افرادی هستند که از سال‌های اول برپایی، با خیمه همراه بوده‌اند.

محمد کراچیان یکی از همان‌هاست که سال‌ها پیش تصمیم گرفتند کاری متفاوت انجام دهند. او که زمان برپایی اولین خیمه دوازده سال داشت، از روزهای اولیه این طور می‌گوید: سال ۱۳۹۲ به همراه برادرم و تعدادی از دوستان و بچه‌های مسجد ابودر در خیابان آخوند خراسانی، تصمیم گرفتیم در ابتدای خیابان هاشمیه، خیمه‌ای برپا کنیم. آن زمان بیشتر بچه‌ها در سنین نوجوانی بودند. برادرم که از همه بزرگ‌تر بود، ۲۱ سال داشت. هدفمان این بود که کار فرهنگی انجام دهیم و فضای روضه و عزاداری را برای جوان‌ها و نوجوان‌ها فراهم کنیم. از طرفی می‌دانستیم توان برپایی هیئت

بزرگ را نداریم؛ برای همین تصمیم گرفتیم خیمه کوچکی در حد توان خودمان برپا کنیم.

کراچیان ریشه این فعالیت را در فضای خانوادگی خود می‌داند و می‌گوید: در خانواده ما تشویق‌ها همیشه رنگ و بوی امام حسینی داشت؛ از شرکت در روضه‌ها گرفته تا سفرهای زیارتی به کربلا. همین باعث شد مسیر زندگی ما به این سمت کشیده شود.

او تعریف می‌کند: اولین پرچم‌های سیاهی که برای خیمه استفاده کردیم، چادرهای مشکی زنانه‌ای بود که از فامیل گرفته بودیم. خرید سماور برایمان سنگین بود؛ برای همین در دیگ آب جوش درست می‌کردیم. برای پذیرایی هم از لیوان‌های پلاستیکی استفاده می‌کردیم. آن روزها جمع کوچکی داشتیم؛ حدود ده پانزده نفر. دو سال اول، خیمه در ابتدای خیابان هاشمیه نزدیک ایستگاه مترو برپا شد و پس از آن به محل فعلی در حاشیه میدان جانباز آمدیم.

در حال گسترش است. کراچیان می‌گوید: آن روزها فقط چند نوجوان بودیم. اما امروز بیش از ۲۵۰ نفر به صورت مستقیم در برگزاری مراسم مشارکت دارند. بسیاری از دوستان، بستگان و اهالی محله به این مجموعه اضافه شده‌اند و اکنون حدود هفتاد درصد اعضا را جوانان بومی محله جانباز تشکیل می‌دهند. مهم‌ترین ویژگی هیئت این است که در ابتدای کار، همه جوان و نوجوان بودند و اکنون هم بسیاری از خادمان هیئت جوان هستند.

به برکت خون شهید

یکی از نکات مهمی که خیمه‌الغزا از دیگر مجالس متمایز می‌کند، ریشه گرفتن آن در یاد و نام یک شهید است. شهید مجید ثانوی، دایی محمد کراچیان که سال ۱۳۶۴ به شهادت رسید، نامی است که بر ستون اولیه این خیمه می‌درخشد. کراچیان با اشاره به نقش شهید در شکل‌گیری این مجموعه می‌گوید: بعد از شهادت دایی‌ام، پدر بزرگم قسمتی از مالش را گذاشت تا به نیت او در مناسبت‌های مختلف خرج کنند. او ایل که خیمه برپا کرده بودیم. پدر بزرگم، حاج خلیل ثانوی، کارت بانکی‌اش را در اختیارمان می‌گذاشت و می‌گفت هر چه می‌خواهید برای هیئت بخرید. از همین کارت خرید کنید. شاید بیراه نباشد بگویم نهال این روضه به یاد شهید کاشته شد.



مجتبوی می‌گوید: راز ماندگاری خیمه در همین روحیه جمعی نهفته است. دوستان و رفیقان به مرور زمان به مجموعه اضافه شدند و هر کدام مسئولیتی را بر عهده گرفتند. امروز برای هر بخش، نیروی مشخصی وجود دارد و همه کارهای هیئت از یک ماه قبل برنامه‌ریزی می‌شود. به گفته او، زنجیره‌ای که سال‌ها پیش با چند نوجوان شکل گرفت، همچنان

از ۷ نوجوان تا ۲۵ خادم

سید فخرالدین مجتبوی، از اولین برپاکنندگان خیمه، روزهایی را به یاد می‌آورد که فقط هفت نفر بودند و با شور و شوق جوانی، خیمه‌ای به نام «خیمه‌الغزا» را ثبت و راه‌اندازی کردند. او تعریف می‌کند: حدود هفده سال داشتیم. می‌خواستیم در کنار هیئت‌های محله، کار متفاوتی انجام دهیم. سن و سالمان کم بود و تجربه‌ای نداشتیم. حتی پذیرایی از مردم برایمان استرس داشت.

خاطرات آن روزها هنوز برایش زنده است: روزهایی که امکانات محدود بود و هر شب با چالشی تازه روبه‌رو می‌شدند. سید فخرالدین تعریف می‌کند: یک شب آب قطع شده بود و برای آماده‌کردن چای و پذیرایی، از این طرف و آن طرف گالن‌های آب جمع می‌کردیم و می‌آوردیم تا پذیرایی مان معطل بی‌آبی نماند. همیشه تلاش می‌کردیم بهترین کار ممکن را برای امام حسین (ع) انجام دهیم. شاید امکانات زیادی نداشتیم. اما دل‌مان می‌خواست هر کاری که انجام می‌دهیم، بهترین باشد.

دغدغه همیشگی مراسم محرم

کنار مادر، خواهر بزرگ تر شهید نشسته است. خاطرات حمیده خانم فقط به برداشتن محدود نمی ماند و پای سبک و سیاق تربیتی پدر و مادرش را به میان می کشد. او از سال های قبل از تولد مجید این طور تعریف می کند: مرحوم پدرم مقید بود در دهه اول محرم روضه برپا کند. روز عاشورا یک میز کوچک جلودر خانه می گذاشت و شیر توزیع می کرد. بچه ها و نوه ها هم از همان سال های کودکی کنار بزرگ ترهای ایستادند و سهمی در این نذر داشتند تا سقایی را یاد بگیرند. کم کم این نذری به خیابان آخوند خراسانی، مقابل قنادی پدرم (قنادی پارس)، آمد. خواهر شهید معتقد است کار جوانان برای مراسم فقط به چند شب محرم محدود نمی شود و تا اکید می کند: این بچه ها همه سال دغدغه این مراسم را دارند. برنامه ریزی می کنند، جلسه می گذارند و برای سال بعد فکر می کنند. حضور در هیئت بر رفتار و منش جوانان هم تأثیر می گذارد. اما وقتی صحبت به خود شهید می رسد، لحنش رنگ دیگری پیدا می کند. از برادری می گوید که باهوش، مهربان و مسئولیت پذیر بود: «مجدید بچه خیلی خوبی بود. با استعداد بود. گاهی با خودم فکر می کنم از همه ما زنگ تر بود و انگار بهتر از ما می دانست باید چه مسیری را انتخاب کند.» حمیده خانم به روزهایی اشاره می کند که مجید تصمیم گرفته بود راهی جبهه شود. با وجود علاقه و اصرارش، تا زمانی که رضایت پدر را نگرفت، قدمی برنداشت.



مهربانی مجید و اشک های مادر

معصومه ملازاده، مادر شهید مجید ثانوی، آرام روی یکی از صندلی ها نشسته است. هر سال با برپایی این مراسم، یاد فرزندش را مرور می کند. وقتی نام مجید را می آورد، صدایش آرام تر می شود و بغضی که سال ها با او همراه است، در کلماتش خودنمایی می کند. خاطرات او بیشتر از آنکه به روزهای جنگ گره خورده باشد، به روزهای زندگی فرزندش برمی گردد: به روزهایی که هنوز نوجوانی بیش نبود. مادر شهید می گوید: مجید خیلی مهربان بود. احترام پدر و مادر را نگه می داشت و همیشه حواسش به پدرش بود. اگر بین تفریح با دوستانش و کمک به پدرش، حق انتخاب داشت، همیشه کمک به پدر را انتخاب می کرد. حرف هایش کوتاه است، اما در همان چند جمله، تصویری روشن از پسری ترسیم می کند که پیش از آنکه شهید شود، فرزندی مهربان برای خانواده اش بود.

مع عزاداران
های می گیرد.
به زحمت
د.
و

زنجیره ای از دوستی و عشق به اهل بیت (ع)

سید سعید حسینی، بین خادمان، مشغول هماهنگی کارهاست. او حدود ۱۰ سال پیش از طریق دوستان هیئتی اش با این مجموعه آشنا شد و حالا یکی از اعضای ثابت این گروه به شمار می رود. حسینی می گوید که نخستین بار برای کمک در بخش پذیرایی آمده بود. اما همان حضور کوتاه، مسیرش را تغییر داد و او سال به سال بیشتر درگیر کار در این هیئت شد و مسئولیت های بیشتری گرفت. سید سعید ادامه می دهد: اینجا حالتی زنجیروار دارد؛ هرکسی که می آید، دوست یا آشنای دیگری را هم با خودش می آورد. این چرخه همچنان ادامه دارد. حسینی یکی از اتفاقات مهم زندگی اش را به همین خیمه گره می زند: سفر کر بلا در سال ۱۳۹۷. سفری که به گفته خودش، آرزویش بوده است و آن را از برکت همین مجالس به دست آورده است.



خانه ما از اینجا فاصله زیادی دارد و این اولین باری است که این مراسم را می بینم. هم چای خوردیم و هم از فضای معنوی آن استفاده کردیم. روضه خوانی شان طولانی نبود و صدای بلندگوها هم آزاردهنده نیست.

در میان جمعیت، پیرمردی نشسته است. علی اصغر فخلعی، ساکن محله سجاد، به خاطر نوه اش به این مجلس آمده است. او تعریف می کند: نوه ام اینجا خادم است و به خاطر او با این مراسم آشنا شده ام. بیشتر شب ها که می آید، من هم همراهش می آیم. ما از هفتاد سال قبل عشق امام حسین (ع) را در سینه داریم. اما تسلی امروز با دنیای متفاوتی روبه رو هستند. این برنامه ها کمک می کند بچه ها در مسیر درستی قرار بگیرند.

خانمی روی صندلی نشسته و اشک روی صورتش جاری است. بهجت کمال الدین از آن دسته همسایگانی است که حضور این خیمه را بخشی از شب های محرم خود می داند. با بغضی که در صدایش پیدا است، می گوید: روضه و مداحی در فامیل ما زیاد برگزار می شود، اما اینجا برایم فرق دارد. اینکه در فضای باز برگزار می شود راهم دوست دارم. برای همین از زمان کرونا به اینجا می آیم. وقتی محرم نزدیک می شود، خوشحالم که دوباره برپا می شود. اما وقتی

دلتنگی برای روزهای محرم

ردیف های عقب در کنجی از فضای مجلس، خانمی روی صندلی نشسته است و با مداحی که در فضا پخش می شود، آرام آرام زمزمه می کند. فاطمه ایزدی حدود هشت سال است که در این مراسم شرکت می کند. خانه اش به محل برگزاری نزدیک است و سعی می کند هر شب خودش را پیش از آغاز زیارت عاشورا به مجلس برساند. او می گوید: سعی می کنم ساعت ۸ اینجا باشم تا به قرآنت زیارت عاشورا گوش کنم. چیزی که این مراسم را برایم متفاوت کرده، زمان مناسب آن است. برنامه هایشان طولانی نمی شود و حدود ساعت ۹ تمام است. بعد از آن هر که دوست دارد در اینجا می نشیند و تا ساعت ۲ با مداحی را گوش می کند. سادگی و بی ریایی، مهم ترین ویژگی این هیئت است. وقتی دهه تمام می شود و هیئت می رود، دلم می گیرد. کمی آن طرف تر، خانواده ای که برای خرید به این محدوده آمده اند، روی صندلی های خالی نشسته اند. رضا عباسی یک سینی کوچک چای با چهار استکان در دستش گرفته است تا برای خانواده اش ببرد. او درباره نخستین تجربه حضورش در این خیمه می گوید:

دهه تمام می شود، دلم می گیرد. از اینجا که رد می شوم و می بینم چراغ ها خاموش است و محوطه خالی، حس عجیبی دارم. فقط دلخوشم به اینکه سال بعد دوباره برمی گردند و اگر عمری باشد، باز هم در این مراسم شرکت می کنم.

فروشگاه «شهر ما» در محله نوده که در اغتشاشات دی ماه سوخت، حالا کانون عزاداری محرم است

سرپاشدن دوباره، با عشق حسینی

راه تجربه



۲



صدرا یک ساعت از اذان مغرب گذشته است. کوجه های اطراف مجتمع مسکونی یاس و خیابان های اطراف آرام آرام رنگ سیاه عزایه خود می گیرد. زن ها چادر و مردها پیراهن مشکی به تن دارند. کودکان با پرچم های کوچک در دست، جلوتر از بزرگ ترها حرکت می کنند. مقصد همه یک نقطه است: حیاط فروشگاه «شهر ما» که حالا دیگر نه محل خرید روزانه، بلکه خیمه عزاداری امام حسین (ع) شده است. ساختمان هایی که تا پیش از اغتشاشات دی ماه سال گذشته، بخشی از نیازهای روزمره ساکنان محله نوده را تأمین می کرد، حالا با دیوارهای سوخته و پرده های مشکی، میزبان عزاداران محرم است. اهالی با دست های خود، کف حیاط را فرش کرده، داریست ها را برپا کرده اند و گوشه ای از محوطه راهم به کودکان اختصاص داده اند.



با تجمعات شبانه برگزار می شود. از خدا می خواهیم به حرمت خون شهدا کشورمان را پیروز و مقتدرتر از همیشه نگه دارد.

سهام بانوان در شب های محرم

حیاط فروشگاه به دو بخش تقسیم شده و از نیمه آن، خیمه بانوان شروع می شود. آنجا را هم سیاه پوش کرده اند و در انتهایش هم حسینیه کودکان برپاست. خانم های نیت رهبر شهید قرآن می خوانند. طاهره قربانی، فرمانده پایگاه مسجد امام حسین (ع)، می گوید: بانوان از ابتدای برگزاری اجتماعات در این برنامه ها حضور داشته اند. حلقه های صالحین، جلسات روشنگری، غرفه کودکان و برنامه جزء خوانی قرآن به یاد رهبر شهید از جمله فعالیت هایی است که با مشارکت بانوان برگزار شده است.

دختران نوجوان نیز در بخش انتظامات و پذیرایی فعال هستند و مهمانان را برای نشستن در جای خالی راهنمایی می کنند. به انتهای خیمه که می رسم، صدای یا حسین (ع) از غرفه کودکان شنیده می شود. فاطمه خام کیاپور، جانشین فرمانده پایگاه شهید فخری زاده مسجد حضرت رسول اکرم (ص)، می گوید: نزدیک سه ماه است که اینجا برای کودکان برنامه های مختلف برگزار می شود. در حال حاضر هم باتوجه به ایام محرم، غرفه کودکان تبدیل به حسینیه شده است. تعدادی از بچه ها مشغول رنگ آمیزی اسب و نخل هستند و مربی هم برای آن ها داستان های کربلا را روایت می کند. تعدادی از بچه ها کنار هم جمع شده اند و نقاشی می کشند. مانده سلیمانی، مسئول پاتوق دخترانه که مشغول روایت اتفاقات کربلا برای بچه ها است، می گوید: اینجا کودکان فعالیت های مختلفی از جمله بازی های گروهی، نقاشی، رنگ آمیزی، نمایش و پرده خوانی های متناسب با ایام محرم را انجام می دهند و هر شب داستانی متناسب با وقایع کربلا برای کودکان روایت می شود.

ساعت از گذشته که آقایان، حلقه سینه زنی را وسط صحن حیاط تشکیل می دهند و صدای دست هایی بلند می شود که محکم بر سینه می زنند و یا حسین (ع) می گویند.



سخنران مشغول صحبت است. به سراغ مردم حاشیه خیابان می رویم که مشغول پرچم گردانی هستند. پیرو جوان، زن و مرد، ایستاده یا نشسته روی صندلی، پرچم سه رنگ ایران با نشان «ا...» را به دست گرفته اند و می چرخانند. در میان آن ها محمد روحی، متولد ۱۳۲۴، با وجود سن و سالش پرچم کشورمان را در دست گرفته است و هم زمان با نوچه ها سینه می زند. او که از نخستین شب های برگزاری این اجتماعات در کنار مردم حضور داشته است، می گوید: حضور در این مراسم را وظیفه خود می دانم و خدا را شاکرم که برنامه های محرم نیز در همین مکان برگزار شد تا میدان خالی نماند.

هیئتی هایی که خیمه را سرپانگه داشته اند

محسن رضایی، از اعضای قدیمی هیئت شجاعات الحسین (ع)، در حال صحبت با نوجوانان هیئت است و از آن ها می خواهد برای بهتر برگزار کردن مراسم همکاری کنند. او می گوید: از کودکی باروضه و عزاداری اهل بیت (ع) بزرگ شدم و امسال هم با کمک اهالی و هیئتی ها، خیمه محرم را در این مکان برپا کردیم تا تجمعات شبانه پرشور باقی بماند. اهالی محدوده مهدی آباد با نیت حفظ وحدت، زنده نگهداشتن یاد شهدا و برگزاری باشکوه مراسم عزاداری در این برنامه ها حضور پیدا می کنند. همه آن ها در سال های گذشته پای کار هیئت بوده اند؛ دهه اول محرم را در مسجد امام حسین (ع) و خیابان های اطراف مسجد برپا می کردیم و هر کس نذری داشت آنجا می آورد. ولی حالا همه دست به دست هم دادند تا خیمه اینجا، درست جایی که اغتشاشگران آن را به آتش زدند، باشکوه تر برگزار شود.

صدایی که سال ها باروضه گره خورده است

روح... شمسی، مداح هیئت شجاعات الحسین (ع)، سال هاست با دستگاه اهل بیت (ع) ما نوس است. او مداحی را در بیت الجواد (ع) خیابان مطهری آموخته و حالا سال هاست که در این محله و هیئت مداحی می کند.

وقتی نوبت نوحه خوانی می رسد، صدایش در فضای خیمه می پیچد و جمعیت با او هم صدا می شوند. مداحی اش که تمام می شود، می گوید: هر خدمتی در دستگاه امام حسین (ع) با لطف و عنایت خود حضرت سیدالشهدا (ع) ممکن می شود و به همین دلیل، بیت مورد علاقه ام در این شب ها این است که «دست من و تو نیست اگر نوکرش شدیم/ عمری حسین زحمت مارا کشیده است». در این ایام و در مراسم عزاداری آقا ابا عبد... هر کاری انجام می دهیم، از چای ریختن تا کفش جفت کردن یا نذری دادن همه به لطف خودشان است. این شب ها که مراسم عزاداری هم زمان

دیوارهای سوخته، سیاه پوش عزای حسینی (ع)

قبل از اینکه جمعیت به اینجا برسد، نوجوانان و جوانان خودشان را از دو مسجد حضرت رسول اکرم (ص) و امام حسین (ع) به محوطه حیاط فروشگاه رسانده اند. تعدادی مشغول پهن کردن فرش و موکت هستند و بعضی هم پرده سیاه پشت جایگاه سخنران را وصل می کنند. همه چیز برای پذیرایی از عزاداران امام حسین (ع) آماده است. جمعیت لحظه به لحظه بیشتر می شود. هنوز برنامه آغاز نشده است که با حجت الاسلام والمسلمین فرهاد تفضلی، امام جماعت مسجد حضرت رسول اکرم (ص) در توس ۵۱، صحبت می کنیم. او در باره روزهای نخست شکل گیری این اجتماع می گوید: با شروع جنگ تحمیلی سوم و شهادت قائمات، اینجا یکی از پاتوق های تجمعات شبانه شد و اهالی مجتمع یاس و خیابان های اطراف به اینجا آمدند. پنج مسجد منطقه در این شب ها با هم همکاری می کردند. مسجد حضرت محمد (ص) در خیابان توس ۴۰ و مسجد پنج تن (ع) در خیابان توس ۴۲، مسجد حضرت رسول اکرم (ص) در توس ۵۱، مسجد حضرت ابوالفضل (ع) در توس ۵۳ و مسجد امام حسین (ع) در توس ۵۵ برای برگزاری برنامه ها و تجمعات شبانه پای کار بودند. هیئت امنای مساجد این محل را برای تجمع انتخاب کردند؛ چون فروشگاه در اغتشاشات دی ماه تخریب و غارت شد. نیمی از ساختمان ریخت و جای سالمی باقی نماند.

به گفته او در شب های تجمعات، حیاط این محوطه برای نوجوانان در نظر گرفته شد و غرفه های فرهنگی برای کودکان برپا بود. از اول محرم نیز به همت دو مسجد حضرت رسول اکرم (ص) و مسجد امام حسین (ع) و هیئت شجاعات الحسین (ع) این مسجد، فروشگاه تبدیل به خیمه عزاداری شده است.

پرچم زمین نمی ماند

پارچه های مشکی بر دیوارهای آسیب دیده فروشگاه نصب شده است و همه چیز مهبیای مراسم عزاداری است. مراسم با قرائت قرآن و زیارت عاشورا آغاز و کم کم به تعداد جمعیت اضافه می شود.





حسینیه کودک در دهه اول محرم، در مسجد چهارده معصوم^(ع) برپا بود

بچه‌ها، پای قصه‌های کربلا

می‌گوید: هر شب مریبان یکی از اتفاقات کربلا را برایمان تعریف می‌کنند و من براساس آن نقاشی می‌کشم و بعد، از روی نقاشی برای بچه‌ها دوباره قصه را تعریف می‌کنم.

نیلوفر زمین‌کشت و نازنین زهرا کاظمی نه‌ساله هردو هم‌کلاسی و هم‌سایه هستند. آن‌ها به تعریف کردن قصه و سینه‌زنی علاقه دارند. بچه‌ها را دور خودشان جمع کرده‌اند و با هم نوحه می‌خوانند و سینه می‌زنند. نیلوفر می‌گوید: از امام حسین^(ع) شجاعت، راست‌گویی و ایستادگی در برابر ظلم را یاد گرفته‌ام؛ دوست دارم مثل ایشان شجاع باشم و هیچ‌وقت دروغ نگویم.

● ○ کاردستی‌هایی به یاد کربلا

فاطمه حقی، مربی کودکان، بچه‌ها را در گوشه‌ای از مسجد جمع کرده است و با بازی و مسابقه، مفاهیم عاشورا را به آن‌ها آموزش می‌دهد. وقتی نام یاران امام حسین^(ع) را می‌برد، بچه‌ها دست روی سینه می‌گذارند و وقتی از دشمنان آن حضرت می‌گوید، مشت‌های کوچکشان را گره می‌کنند.

در سمت دیگر مسجد، بچه‌ها روی زمین نشسته‌اند و دورشان قیچی، مقوا و مداد رنگی است. آن‌ها کنار مربی کاردستی درست می‌کنند. محمد رضامشغول در آوردن تصویر یک اسب است و دوستش، معین، خیمه را رنگ می‌کند. آن‌ها با کمک مربی، کاردستی‌هایشان را روی چوب‌های کوچک نصب می‌کنند تا یادگاری شب‌های محرم را با خود به خانه ببرند.

● ○ راویان کوچک عاشورا

نرگس دهقان، دختر نوجوانی که هر شب همراه خانواده‌اش به مسجد می‌آید، بخشی از وقتش را برای مراقبت از کودکان می‌گذارد. او کنار وسایل بازی بچه‌ها می‌ایستد و مواظبشان است که از روی آن‌ها نیفتند. او می‌گوید: در این شب‌ها از صحبت‌های مریبان درباره امام حسین^(ع)، آموختم که با کودکان مهربان باشم و با آرامش با آن‌ها صحبت کنم.

فاطمه، خواهر کوچک‌تر نرگس، به قصه گفتن و نقاشی علاقه دارد. او کنار میز بچه‌هایی نشسته است که مشغول نقاشی و رنگ‌آمیزی هستند. این روزها بیشتر نقاشی‌های فاطمه، رنگ و بوی محرم دارد. نخل، خیمه و پرچم‌های عزاداری، سوژه‌هایی هستند که روی کاغذ‌هایشان جان می‌گیرند. خودش



صدرا طبقه پایین مسجد چهارده معصوم^(ع) در محله هدایت، این شب‌ها محل برگزاری مراسم دهه اول محرم مخصوص بانوان است. هم‌زمان از طبقه بالا صدای شعرخوانی کودکان و گاهی هم، نوای سینه‌زنی‌هایشان شنیده می‌شود. این حسینیه کوچک، هر سال در محرم برای کودکان برپا می‌شود؛ جایی که بازی و قصه و کاردستی، همه به روایت کربلا ختم می‌شود.

● ○ حسینیه‌ای برای کودکان حسینی

کنار دیوار، یکی از بچه‌ها از سرسره پلاستیکی پایین می‌آید و دو کودک دیگر روی الاکلنگ بالا و پایین می‌روند. چند نفر هم پشت میزهای کوچک نشسته‌اند و با قطعه‌های رنگی بازی می‌کنند. اما آن طرف سالن، بچه‌های بزرگ‌تر با لباس‌های مشکی کنار هم ایستاده‌اند و سینه می‌زنند. آن‌ها در میان نوحه‌ها، قصه یاران امام حسین^(ع) را می‌شنوند و از اتفاقات عاشورا درس می‌گیرند. مریم عندلیب، فرمانده پایگاه ریحانه‌النبی^(س)، می‌گوید: چندسالی است که این حسینیه در دهه محرم شکل می‌گیرد تا کودکانی که همراه مادرانشان به مراسم می‌آیند، فضایی متناسب با سن خود داشته باشند. هدف این برنامه فقط سرگرمی نیست. شعرخوانی، قصه‌گویی، بازی و فعالیت‌های هنری، فرصتی است تا بچه‌ها با زبان کودکانه با اهداف قیام عاشورا آشنا شوند. کودکان با هماهنگی خانواده‌ها ثبت‌نام می‌کنند تا در فضایی امن و صمیمی، سهم خودشان را از شب‌های محرم داشته باشند.

مسجد امام سجاد^(ع)، برای سومین سال، نقش متفاوت خود را در محرم ایفا می‌کند

زنده‌نگه داشتن روضه‌های خانگی



در فضا سازی، تأمین سیستم صوت و حتی امانت دادن تجهیزات مورد نیاز مجالس است.

صادق توضیح می‌دهد: ممکن است خانواده‌ای بگویند ما برای روضه باند نداریم یا امکان دعوت از مداح را نداریم. ما تلاش می‌کنیم این موارد را برایشان فراهم کنیم تا تعداد مجالس روضه در محله افزایش پیدا کند.

● ○ افزایش برگزارکنندگان روضه

این طرح از سه سال پیش در محله سجاد آغاز شده و روندی روبه‌رشد داشته است. صادقی در این باره می‌گوید: سال اول اجرای طرح، خودمان هم تجربه کافی نداشتیم؛ برای همین تنها به دوروضه خانگی کمک کردیم. سال دوم این تعداد به پنج مجلس رسید و امسال هم امیدواریم دست‌کم بایست روضه خانگی همراه شویم. نکته جالب این است که هنوز اطلاع‌رسانی رسمی طرح را آغاز نکرده‌ایم اما تاکنون ۱۰ نفر برای برگزاری روضه اعلام‌آمادگی کرده‌اند.

او یادآوری می‌کند: محدودیتی در مدت برگزاری مراسم وجود ندارد. برای ما مهم این است که روضه در خانه‌ها برپا شود؛ فرقی نمی‌کند یک شب باشد یا ده‌ها شب کامل. تلاش می‌کنیم کمک کنیم که این مجالس شکل بگیرد.

مدیر اجرایی برنامه‌های مسجد سجاد درباره این طرح می‌گوید: افرادی علاقه‌مند به برگزاری روضه و دادن نذری هستند. اما در خانه فضای مناسب برای آشپزی ندارند. در چنین مواقعی، فضای لازم در

صفائی باقرار گرفتن در ماه محرم، محله‌ها، رنگ و بوی عزاداری گرفته است؛ از پرچم‌های سیاه بر سردر خانه‌ها گرفته تا روضه‌هایی که در گوشه و کنار کوچه‌ها برپا می‌شود. در محله سجاد نیز جمعی از فعالان فرهنگی مسجد امام سجاد^(ع) تلاش کرده‌اند این حال و هوا پررنگ‌تر شود. آن‌ها برای سومین سال پیایی، طرحی حمایتی اجرا می‌کنند تا برگزاری روضه‌های خانگی و برنامه‌های مردمی محرم برای اهالی آسان‌تر شود.

هدف از این طرح، افزایش مجالس خانگی، کمک به برپایی ایستگاه‌های صلواتی از سوی نوجوانان و فراهم کردن امکانات مورد نیاز برای عزاداری است. همه خدمات این طرح نیز به رایگان در اختیار ساکنان محله قرار می‌گیرد.

● ○ تسهیل در برگزاری روضه‌های خانگی

یکی از فعالان فرهنگی مسجد امام سجاد^(ع) درباره این برنامه می‌گوید: رویکرد مادر مسجد، تسهیل‌گری برای روضه‌های خانگی است و تلاش می‌کنیم هرکاری که از دستمان برمی‌آید، برای افرادی که قصد برگزاری روضه را دارند، انجام دهیم.

حسین صادقی ادامه می‌دهد: پس از گفت‌وگوهای متوالی با اهالی محله متوجه شدیم برخی خانواده‌ها به برگزاری روضه خانگی علاقه‌مند هستند، اما امکانات لازم را ندارند؛ برای همین مادرکنارشان قرار می‌گیریم و امکانات مورد نیاز را در اختیارشان می‌گذاریم. به گفته او، این حمایت‌ها شامل معرفی سخنران و مداح، کمک

مسجد برای آن‌ها هم‌پایست و به آن‌ها کمک می‌کنیم. علیرضا سراسیایی با تأکید بر رایگان بودن طرح می‌افزاید: بعد از عید غدیر با برخی خیران محله صحبت کردیم و با کمک آن‌ها امکانات لازم و هزینه‌های مداح و سخنران هم تأمین شده است.

● ○ ایستگاه صلواتی برای نوجوانان

عضو هیئت امنای مسجد سجاد^(ع) توضیح می‌دهد: بخش دیگری از این طرح به نوجوانان محله اختصاص دارد. بسیاری از آن‌ها دوست دارند در ایام عزاداری سهمی در خدمت داشته باشند؛ به همین دلیل مسجد امام سجاد^(ع) امکانات اولیه راه‌اندازی ایستگاه صلواتی را برایشان فراهم می‌کند تا بتوانند برنامه‌های خود را اجرا کنند.

صالح‌زبان می‌گوید: برنامه دیگر این گروه، کمک به سیاه‌پوش شدن فضای محله است. در این طرح، فعالان مسجد به افرادی که قصد نصب پرچم و نمادهای عزاداری بر سردر خانه‌هایشان را دارند اما امکان انجام آن را ندارند، کمک می‌کنند تا حال و هوای محله در ایام محرم، رنگ و بوی بیشتری از عزای حسینی بگیرد.

زرکش، مشهدقلی، نوده، حجت، نوید، فدک، کوی امیرالمؤمنین^(ع)، هدایت، اینارگران، قدس، ابوطالب، هنرور، سمزقند، آیت... عبادی، شهیدفرامرزیعباسی، بهاران، خین عرب، اسماعیل آباد، کارخانهقند، عبدالمطلب، شفا، شهیدمطهری، عامل، حسین‌باشی، کاشانی

محلات منطقه‌ها

احمدآباد، راهنمایی، فلسطین، سجاد، آبکوه، ارشاد، صاحب‌الزمان^(ع)، سعدآباد، شهیدکلاهدوز، گوهرشاد، کوی دکتر



○ کودکان محله ما در چهارمین شب از مراسم عزاداری محرم با حضور در مسجد هجرت به صورت نمادین با حضرت رقیه^(س) و حضرت علی اصغر^(ع) بیعت کردند. آن‌ها انگشتان کوچکشان را با استامپ به رنگ سبز آغشته کردند و روی کاغذ زدند و به یاد شهدای کودک قیام عاشورا عزاداری کردند. در پایان مراسم، فرمانده پایگاه نجمه با اهدای عروسک از آن‌ها قدردانی کرد.

تصویر و متن از فاطمه نهبونندی، ساکن محله ارشاد



○ در دهه اول محرم و ایام سوگواری سالار شهیدان، ابا عبدالحسین^(ع)، مسجد حضرت رسول اکرم^(ص) در محله نوده میزبان هیئت دختران نینوایی بود. دختران کودک و نوجوان محله ما برای عرض ارادت به امام حسین^(ع) به مسجد می‌آمدند و آیین عزاداری را با اجرای سرود و مراسم سینه زنی برپا می‌کردند.

تصویر و متن از مانده سلیمانی، مسئول پاتوق دختران پایگاه شهیدفخری زاده



محله به روایت شما

○ بانوان پایگاه بسیج شهید مهدی نیاد در مسجد حضرت ابوالفضل^(ع)، هم‌زمان با دهه اول محرم، هر شب به صورت دسته جمعی مراسم عزاداری را در خیابان‌های این محله برپا کردند و با پیاده روی، ارادت خود را به امام حسین^(ع) و قیام عاشورا نشان دادند.

تصویر و متن از مهدیه بیات، فعال فرهنگی پایگاه شهید مهدی نیا



○ با فرارسیدن ایام سوگواری سالار شهیدان، امام حسین^(ع) هیئت نوجوانان انصارالمهدی^(ع) مسجد حجتی‌الندشت در محله احمدآباد، هر شب از ساعت ۲۰:۳۰ مراسم عزاداری برگزار می‌کند.

تصویر و متن از عرفان بافنده، نوجوان هیئت انصارالمهدی^(ع)



○ در جمعه‌ای که به نام مبارک شش ماهه امام حسین^(ع) نام‌گذاری شده بود، دختران گروه سرود فیروزه رضوی با حضور در بیمارستان هفده شهریور و بیمارستان ولایت، با اجرایی متفاوت در بخش نوزادان، حال و هوای مادران و نوزادان کوچکشان را کریلایی کردند.

تصویر و متن از زهرا تقی‌زاده، فعال فرهنگی محله کوی دکتر